

اهمیت نماز جماعت

تألیف:

دکتر عبدالله السکاكر

ترجمه:

مسعود انصاری تالش

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده‌دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۱
سرآغاز	۵
مقدمه	۷
نماز جماعت	۹
فصل اول: حکم نماز جماعت	۱۱
۱- سنت	۱۲
۲- گفتاری از صحابه <small>رضی الله عنهم</small>	۱۴
شبهه‌ای و پاسخ به آن	۱۴
فصل دوم: فضایل نماز جماعت	۱۷
۱- آن اطاعت از خداوند متعال و رسول بزرگوار اوست	۱۷
۲- آن جدایی از منافقان است	۱۷
۳- نماز جماعت رشته‌ی پیوستگی و ارتباط مسلمانان را استحکام می‌بخشد:	۱۸
۴- نماز جماعت برای کسی که نمی‌داند، تعلیم و برای کسی که می‌داند، یادآوری است	۱۹
۵- نماز خواندن موجب خشم شیطان و یاران اوست	۱۹
۶- نماز جماعت موجب کسب پاداش‌ها و نیکویی‌های بسیاری می‌شود که گزارنده‌ی نماز در خانه از آن بی‌بهره است	۲۰
۷- نماز جماعت عاملی برای کسب سعادت ابدی است	۲۲
۸- خواندن نماز در وقت آن	۲۳
۹- نماز جماعت از اسباب خشوع است	۲۴

فصل سوم: ندایی به برادر مسلمان ۲۵

فصل چهارم: موانعی در مسیر توبه ۲۹

۱- شیرینی خواب؟ ۲۹

۲- سختی تو را باز می‌دارد؟ ۲۹

۳- شیطان و وسوسه‌هایش؟ ۳۰

فصل پنجم: نویدهایی برای توبه‌کنندگان ۳۱

۱- بخشایش گناهان و تکفیر بدی‌ها ۳۱

۲- خداوند بدی‌های توبه‌کنندگان را به نیکی تبدیل می‌کند ۳۱

۳- خداوند متعال توبه‌کنندگان را دوست می‌دارد: ۳۱

۴- محافظت این نمازها، از آن حیث که بدان ندا داده می‌شود که از نشانه‌های ایمان است

..... ۳۲

عواملی که به پایبندی بر نماز جماعت کمک می‌کند: ۳۳

۱- راستین‌بودن با خداوند ۳۳

۲- دعا و تضرع به سوی خداوند پاک تا اسباب طاعت تو را آسان گرداند که نماز

جماعت نیز از آن گونه است ۳۳

۳- بهره‌گیری از اسباب مادی ۳۴

آثار ترک گناهان و معاصی ۳۷

این‌ها از جمله آثار ترک گناه و معاصی در دنیا بودند اما: ۳۹

سرآغاز

یک صدا شدن در نیاز با پروردگار از زیباترین گونه‌های عبادت در قاموس بلند فرهنگ دینی است، که ما را در این مختصر مجال به تفصیل از آن سخن گفتن میسر نخواهد بود، پس بدین اندک بسنده می‌کنیم.

جماعت پاک‌ترین آرزوی دردمندان دینی در فرایند دعوت اسلامی است که بی‌پیرایه باید گفت، شکل راستین آن جز در عصر طلایی (آغازین) طلوع خورشید اسلام، خواستگاه این تأسیس بلند را زینت نبخشیده است، دوران نخستینی که بهترین شکل بندگی به وسیله‌ی نمونه‌ترین صورت‌ها بر کرسی تحقق نشست و برای یک بار هم که شد اهریمنان را ناکام و عباد راستین رحمان را خشنود ساخت و موجبات رضایت پروردگار را فراهم نمود.

آیا مسلمانان از خود پرسیده‌اند که صیغه‌های جمع آیه‌های ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ [الفاتحة: ۵-۶] چه حکمتی با خود دارند، آن‌ها از معنایی بلند پرده برمی‌دارند و آن این که مؤمنان باید هم‌دل و هم‌نوا باهم و یکپارچه، نیاز به درگاه «اله» آورند و به آستان قدسی‌اش سر تسلیم بر زمین نهند.

از آثار نماز جماعت می‌توان چیزهای فراوان برشمرد که ما مهمترین ثمره‌ی آن یعنی پیوند قلب‌ها را یادآوری می‌شویم تا رهروان صدوق محمد ﷺ دریابند که اگر طالب نمایش وحدت عمیق اسلامی هستند به صفوف نمازهای جماعت سبقت گیرند که ناخشنودی اهریمنان و نیک‌بختی مؤمنان در گرو آن است تا با توحیدِ قلوب، بنیانی مرصوص پدید آید و وسوسه‌های شیاطین مجال نفوذ در صفوف آنان را نیابد.

در نهایت باید یادآور شوم که سیاق خطاب کتاب موجب نگردد که خواهران گرامی برآشوبند، مخاطب قراردادن مردان فقط به جهت آن است که تشکیل صفوف جماعت از مسئولیت‌هایی است که محبوب کریم بر عهده مردان نهاده است، اگرچه زنان نیز می‌توانند با رعایت شرایطی که فقیهان عنوان نموده‌اند قرین برادران مؤمن به جماعت نماز بگذارند، اما برآنان تکلیف نیست و بنابر ارشاد پیامبر گرامی برای آنان نیکوتر آن است که در خلوت‌خانه منزل با پروردگار خویش به عبادت نشینند که سرانجام پاداش آن کمتر از صفوف جماعت نخواهد بود.

امید است خداوند ایمان مردمان عصر نخستین اسلام را در قلوب مؤمنین جای دهد و صدای اذان و اقامه و جماعت عالمگیر شود و کلمه‌ی علیای الهی نسخه‌ی حیات پسینان قرار گیرد تا در مسیر هدایت و رستگاری کامیاب شوند.

مسعود انصاری تالش

مقدمه

همانا حمد و سپاس بیکران مخصوص خداوند است، پس به بارگاه ربوبی اش سپاس از مقام مستعانش یاری از بحر بی‌گرانه رحمتش بخشایش و هدایت طالبیم و از شرور نفسانی و بدی‌های کردار خویش به قرب ایمن او پناه می‌بریم. و کسی که او بر جبینش مهر هدایت زند، دیگری نخواهد توانست او را به گمراهی افکند و کسی که خداوندش گمراه سازد، کسی دیگر هدایت‌گرش نخواهد بود. و گواهی می‌دهیم که معبودی جز ذات یگانه‌ی او وجود ندارد، ذات یگانه‌ای که انبازی برای او نیست و محمد- که درود و بخشایش و رحمت فراوان خدا بر او و آل و اصحاب او و همه‌ی کسانی که تا قیامت هدایت بگیرند و سنت گرانقدر او را میزان کردار خویش قرار دهند باد- بنده و فرستاده‌ی اوست. اما بعد:

در دینِ خداوند خود و دیگران را نصیحت و اندرز دادن بر هر مسلمانی واجب است، چنانکه پیام‌آور گرانقدر اسلام محمد ﷺ می‌فرماید: «الدین النصیحة»^(۱). «دین نصیحت است». یاران عرض کردند: ای پیام‌آور الهی، برای چه کسی؟ فرمود: «لله، ولکتابه، ولرسوله ولأمة المسلمین وعامتهم»^(۲). یعنی: «برای خاطر خداوند، کتاب او، رسول گرانقدرش و پیشوایان و عموم مسلمانان». جریر بن عبدالله، صحابی گرانقدر پیامبر راستین الهی می‌گوید: «بر اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات و اندرزگفتن به هر شخص مسلمانی با رسول خدا ﷺ بیعت نمودم»^(۳).

۱- دین نصیحت است.

۲- امام مسلم روایت نموده است.

۳- امام بخاری روایت نموده است.

با کمال تأسف باید این حقیقت را اقرار کنیم که در روزگار ما، یک امر ناپسند بزرگ، ترک نماز جماعت، خصوصاً در نماز صبح در میان مسلمانان شایع شده است و به علت انتشار این امر کار به جایی انجامیده که گروه بسیاری از مسلمانان ترک نماز جماعت را ناپسند نمی‌شمارند و حضور در صفوف نماز جماعت را واجب نمی‌دانند «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

با این حال، آنان برادران دینی و اعتقادی ما هستند و اندرز دادن آنان بر هر مسلمانی واجب است پس علیرغم قلت بضاعت خویش نیکو دیدم در این امر بزرگ شرکت جویم، بدان امید که خداوند کریم ما را نیز از زمره‌ی دعوت‌گران به سوی خویش آمرین به معروف و بازدارندگان از منکر قرار دهد.

سعی ما در این نوشتار بر آن بوده است، حکم نماز جماعت، دلایل شرعی آن از قرآن کریم و سنت پاک نبوی ﷺ و گفتار اصحاب رضوان الله علیهم اجمعین را از نظر بگذرانیم، سپس به شبهه‌ای پاسخ می‌گوییم، و بعد بعضی از فضایل نماز جماعت را بیان می‌کنیم، آنگاه ترک‌کنندگان این امر مشروع را مورد نداد قرار می‌دهیم و موانعی که تارکان را دامنگیر می‌شود، یادآور می‌شویم و توبه‌کنندگان را نوید می‌دهیم، آنگاه اسبابی که مسلمان را جهت حضور در صفوف نماز جماعت یاری می‌دهد، ذکر می‌کنیم.

تلاش ما بر این بوده است که روشی واضح و آشکار در پیش گیریم، تا این که برای همگان مفید افتد، اینک از بارگاه الهی به واسطه نام‌های نیکو و صفات عالی‌اش خاضعانه خواهانم که نگارش این سطور را خالصانه برای کسب خشنودی و رضایت خویش و قابل استفاده برای دیگران قرار دارد و به بارگاه ربوبی‌اش مقبول افتد.

نیز از خداوند سبحان خواستارم، همه‌ی کسانی را که به نحوی در چاپ و پخش این رساله، شرکت داشته‌اند، جزای خیر عنایت کند که حضرتش بخشاینده‌ترین اجابت‌کنندگان و بهترین برآوردنده‌ی نیازهاست و سلام و رحمتش بر محمد، بنده و فرستاده‌ی او و همه‌ی آل و اصحاب او باد.

نماز جماعت

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهداه وبعد:
برادر گرانقدر... و برادر حبیب من، ای کسی که تو را به هنگام ادای نماز با مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از ذکر الهی، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد و از روزی که دلها و دیدگان در آن روز دگرگون می شوند، پروا دارند قرین نمی بینم.

برادر گرامی، ای کسی که در خوابی عمیق فرو رفته ای در حالی که «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ... حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» بر بلندای مناره های مسجد در گستره ی شهر و روستا اوج می گیرد، غفلت را از سر می پراند و به سوی مناجات با خداوند جهان در خانه هایی که حضرتش مجاز داشته است که بنا کردند تا نام مبارک او در آن یاد شود، فرا می خواند.
برادر جان... آیا می توانم آرزومند باشم به این که قلبت را برای این نوشتاری که یکی از برادران نصیحت گر و مهربانت می نویسد بگشایی؟

برادرم! ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾^(۱) و به سوی سستی و تنبلی فرا می خواند، اما رحمت الهی کالایی بس گرانبهاست که تن پروران بدان نمی رسند.

يا سلعۃ الرحمن لست رخيصة بل أنتِ غاليةٌ عن الكسالى

یعنی: ای بخشایش گرانقدر خداوند بخشاینده، هرگز ارزان به کف نیایی، بلکه بر تن پروران بسی گران هستی.

یکی از بزرگان سلف را عادت بر این بود که در صورت مشتبه شدن حکم مسئله ای، اگر نفسش به سوی موردی مایل می شد، آن را رها می نمود.

۱ - همانا نفس آدمی به شدت به بدی فرمان می دهد.

اما تو ای برادر گرانقدر، امیدوارم که این رساله را به دور از هوا و خواسته‌ی نفس از نظر بگذرانی، باشد که خداوند کریم آن را موجب نیک‌بختی من و تو و هر برادر خواننده دیگری قرار دهد.

پروردگارا، حقیقت را چنانکه هست برای ما نمایان ساز و به پیروی از آن توفیقمان ده و باطل را نیز چنانکه هست برای ما آشکار ساز و ما را جهت اجتناب از آن توفیق عنایت نما.

بار خدایا، ما را برای آسانی، آسان گردان و از مشکلی دور ساز.

فصل اول: حکم نماز جماعت

نماز را در مساجد به جماعت گزاردن، بنابر نصوصی از کتاب الهی و سنت نبوی و گفتار صحابه- که خداوند از آنان خشنود باد- یکی از شعایر آشکار اسلامی است که مواردی از این نصوص را از نظر می گذرانیم.

الف: خداوند متعال می فرماید: ﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَهُمْ﴾ [النساء: ۱۰۲].

ترجمه: «و هرگاه تو در میان ایشان باشی، و نماز برای آنان برپا داری، باید گروهی از آنان با تو نماز برپا دارند، در حالی که اسلحه خویش را همراه گرفته باشند، پس در هنگامی که این گروه سجده را به انجام رسانیدند، باید پشت سر شما قرار گیرند (نماز را تمام کرده و به نgebانی بایستند). و آنگاه گروه دیگری که هنوز نماز به جا نیاورده اند، می باید بیایند و با حضرتت به نماز بایستند و این ها هم باید هشیاری و اسلحه خویش را قرین داشته باشند».

خداوند متعال در این آیهی گرانقدر به پیامبرش دستور می دهد که در چنان هنگامه‌ی بس دشواری که مسلمانان آماده می شدند تا با کفار هم‌آورد شوند، همراه مؤمنان نماز را به جماعت بگذارد.

پروردگار عالم گروه مسئول حفاظت لشکر را محذور نمی دارد که نماز جماعت را ترک گویند، بلکه دستور می دهد که پس از فراغت گروه نخست، نماز را به جماعت بگذارند.

برادر مسلمانم؛ آیا گمان می‌بری، نماز جماعت در چنان حالت دشواری بر آنان واجب بوده، ولی بر کسی که در بستر نرم و راحت خویش با خیالی آسوده و خاطری مطمئن آرمیده است و از این پهلو بدان پهلو می‌غلند، واجب نیست و معذور و معاف می‌باشد. بی‌شک دین الهی از چنین تناقضاتی بس پاک و بدور است.

ب: خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳].

ترجمه: «نماز را برپای دارید و زکات مقرر را بپردازید و همراه رکوع‌کنندگان به رکوع درآیید».

برادر گرامی، عبارت گرانقدر الهی در نهایت آیه ﴿وَأَرَكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ به دلیل آن است، نمازی که در ابتدا بدان دستور داده شده است به قرین سایر نمازگزاران و در خانه‌ی خدا به هنگام ندا دادن برای نماز، به پایه‌ی تکمیل نمی‌رسد.

۱- سنت

الف- بخاری و مسلم در صحاح خویش از ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَثَقَلِ صَلَاةٍ عَلَى الْمُنَافِقِينَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ، وَصَلَاةُ الْفَجْرِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا، وَلَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِالصَّلَاةِ، فَتَقَامَ، ثُمَّ أَمُرَ رَجُلًا فَيَصِلَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ، فَأُحَرِّقُ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ بِالنَّارِ».

یعنی: «دشووارترین نماز بر اهل نفاق نماز عشاء و نماز فجر است، اگر می‌دانستند که در این دو نماز چه نهفته است، اگر به خزیدن هم بود، در این دو نماز حاضر می‌شدند، دوست می‌داشتم، مردم را به نماز دستور می‌دادم، سپس شخصی را مامور نماز خواندن با مردم می‌نمودم، آنگاه گروهی را حامل بسته‌های هیزم با خود می‌بردم و خانه‌های کسانی را که در نماز جماعت حضور ندارند، به آتش می‌کشیدم».

در روایتی دیگر از امام احمد آمده است که آن حضرت آرزوی خود را به عدم وجود زنان و کودکان در خانه منوط نمود.

ای برادر گرامی؛ آیا نمی بینی که آن حضرت غایبین از نماز جماعت را به نفاق توصیف می کند و آیا اگر نماز جماعت واجبی محتوم نمی بود، بر قلب مبارکش این امر خطور می کرد که خانه هایشان را بر روی آنها بسوزاند.

ب- امام مسلم در صحیح خویش از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده است که گفت: مردی نابینا به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: یا رسول الله، من کسی ندارم که تا مسجد مرا رهنمایی کند، از آن حضرت خواست بدو اجازه دهد تا در خانه نماز بگذارد، به او اجازه داد، ولی چون به قصد رفتن روی گرداند، او را فرا خواند و فرمود: «هل تسمع النداء بالصلاة؟» یعنی: آیا صدای اذان را می شنوی؟

آن مرد گفت: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فأجب» یعنی: پس اجابت کن ^(۱).

در روایت دیگری از امام ابوداود وارد شده است که آن مرد گفت: «من مردی نابینا هستم و خانه ام دور است...» ^(۲).

در روایت دیگری از امام ابوداود و نسایی آمده است که آن مرد نابینا گفت: یا رسول الله، در راه حیوانات درنده و خطرناکی وجود دارد.

برادرم... آیا گمان می بری، نماز جماعت بر آن صحابی محروم از نعمت بینایی که خانه اش در مسافت دوری از مسجد واقع است، از یاور و رهنمای برخوردار نیست تا او را رهنمون شود و از خطرات مسیر در هراس است، واجب است...!

اما بر شخص بینایی که خانه اش در جوار مسجد است و به هنگام هر نمازی شاید از بیست مناره می شنود که ندا داده می شود، «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» واجب نیست...!!!

۱- صحیح مسلم حدیث شماره: ۶۵۳.

۲- سنن ابی داود حدیث شماره: ۲۵۲.

۲- گفتاری از صحابه رضی الله عنهم

أ- امام مسلم در صحیح خویش از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت نموده است که گفت: «اگر کسی شادمان می‌گردد از این که در فردای قیامت مسلمان به حضور پروردگار عالم برسد، پس همواره باید در جایی که بدان ندا داده می‌شود، مواظب نمازهای خود باشد، خداوند کریم سنن هدایت را برای پیامبر شما قانونگذاری نمود، برگزاری نمازها نیز جزء سنن هدایت هستند، اگر همچون این شخص مختلف شما نیز در خانه‌هایتان نماز بگذارید، سنت پیامبرتان را رها کرده‌اید و اگر سنت پیامبرتان را ترک کنید، به یقین گمراهی را به آغوش پذیرفته‌اید...»

در میان ما جز کسی که نفاقش آشکار بود، از نماز جماعت تخلف نمی‌ورزید، حتی مردی چنان برای اقامه‌ی نماز جماعت می‌آمد که به وسیله‌ی دو نفر آورده می‌شد تا بتواند در صف بایستد».

ب- بخاری در صحیح خویش از ام‌الدرداء رضی الله عنها روایت نموده است که گفت: ابوالدرداء به نزد من می‌آمد، در حالی که نگران بود، علت نگرانی او را پرسیدم، گفت: قسم به خدا باد، چیزی از امت محمد صلی الله علیه و آله نمی‌شناسم، مگر این که نمازهایشان را به جماعت می‌خوانند.

ج- از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما پیرامون شخصی که شب‌ها را زنده می‌دارد و روزها را روزه می‌گیرد، اما در نماز جمعه و جماعت شرکت نمی‌کند پرسیده شد، فرمود: او در آتش است!!

د- ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: وقتی شخصی را در جماعت نماز عشاء و صبح نمی‌دیدیم نسبت به او بدگمان می‌شدیم برادر مسلمان من، آیا پس از ذکر همه‌ی این دلایل باز خود را مجاز می‌دانی که در صورت شنیدن ندای اذان در خانه نماز بگذاری؟!

شبهه‌ای و پاسخ به آن

گروهی از مردمان به حدیثی که از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما در صحیحین بخاری و مسلم آمده است، چنین استدلال می‌کنند که آن حضرت فرموده است: «صلاة الجماعة أفضل من صلاة الفرد بسبع وعشرين درجة».

یعنی: «گزاردن نماز به جماعت از گزاردن به تنهایی آن ۲۷ مرتبه برتر است». پس قایل به برتری شدن در بین دو امر دلالت می‌کند که هر دو نیکو هستند ولی یکی از دیگری نیکوتر است. در پاسخ باید گفته شود، ممکن نیست که بین سنت‌های ثابت شده از آن حضرت تعارضی وجود داشته باشد. پیش از این ثابت شد که آن حضرت متخلفین از حضور در نماز عشاء و صبح را به صفت نفاق توصیف نمود و حتی آرزو نمود که چنین افرادی در آتش سوزانده شوند. نیز ثابت شد که آن حضرت مردی را که نابینا بود و رهنمایی نداشت و خانه‌اش هم دور بود و از حیوانات درنده مسیر نیز هراس داشت، مجاز ندانست که جماعت را ترک گوید.

اکنون حدیث ابن عمر رضی الله عنهما را می‌توان چنین پاسخ گفت که:

۱- می‌توان حدیث پیش گفته را به شخصی که معذور است مربوط دانست، بدین معنی که: نماز جماعت بر نماز شخص معذوری که به تنهایی نماز می‌گذارد، ۲۷ مرتبه فضیلت دارد.

۲- نیز صرف تفضیل قایل شدن به مفهوم جواز تفضیل داده شده نیست، حتی ممکن است بر حرمت آن دلالت کند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ
ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾...﴾ [الجمعة: ۹].

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید: چون بانگ اذان برای نماز روز جمعه ندا داده شود، به سوی یادکردن خداوند بشتابید و بیع را رها سازید، اگر دریابید این برای شما بهتر است».

ملاحظه می‌شود که خداوند متعال پس از امر به اقامه‌ی نماز جمعه آن را بهتر و نیکوتر از خرید و فروش قرار داده است، در حالی که بدیهی است رفتن نماز جمعه «واجب» و انجام خرید و فروش در زمان اقامه نماز جمعه «حرام» است.

همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ﴾ [النور: ۳۰].

یعنی: «ای پیامبر، مؤمنان را بگو که چشمان خود را از نگاه‌های ناپسند پایین آورند، و شرمگاه‌های خویش را حفظ کنند که چنین کردن برای آن‌ها پاک‌تر است».

ملاحظه می‌شود که خداوند نگاه ناپسند نکردن و حفظ شرمگاه را بر چنین ناکردن تفضیل داده است، در حالی که نیک آشکار است که مورد دوم «حرام» است.

فصل دوم: فضایل نماز جماعت

برادر مسلمانم، نماز جماعت فضایی بزرگ و پاداش‌هایی فراوان با خود دارد که مؤمن پروا پیشه را وا نمی‌گذارد که آن را ترک گوید، اگرچه به استحباب آن نظر داشته باشد در حالی که پیش از این وجوب آن را دریافتیم. پس گونه‌هایی از این فضایل را برای برادر گرانقدرم یادآور می‌شوم:

۱- آن اطاعت از خداوند متعال و رسول بزرگوار اوست

بی‌شک همه‌ی نیکویی‌ها و نیکی‌بختی‌ها، در دنیا و آخرت در پیروی از خداوند متعال و پیامبر او نهفته است، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۷۱].

یعنی: «هرکس از خداوند متعال و پیامبر او اطاعت کند به رستگاری و توفیق بزرگی نایل آمده است.»

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ [النساء: ۶۹].

یعنی: «چون کسانی از خداوند و پیامبرش اطاعت کنند، پس همراه کسانی از پیامبران، صدیقین، شهیدان و نیکوکرداران خواهند بود که خداوند برایشان نعمت‌ها ارزانی داشته است و اینان بس نیکو رفیقانی هستند.»

۲- آن جدایی از منافقان است

از حضرت ابوهریره روایت شده است که گفت رسول خدا ﷺ فرمود: «أَثْقَلَ صَلَاةِ عَلَيَّ الْمُنَافِقِينَ صَلَاةَ الْعِشَاءِ، وَصَلَاةَ الْفَجْرِ»^(۱).

یعنی: «دشووارترین نمازها بر منافقان نماز عشاء و نماز صبح است». همچنین از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: در میان ما جز منافقی که نفاقش آشکار بود از نماز جماعت تخلف نمی‌ورزید. چنانکه پیش از این یادآور شدیم عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌فرماید: «اگر کسی را در جماعت نماز عشاء و صبح نمی‌دیدیم نسبت به او گمان بد می‌بردیم. (یعنی: او را به نفاق متهم می‌کردیم).

برادر جان، این حکایت کسی است که از حضور در صفوف جماعت عشاء و صبح تخلف می‌ورزد، اما حکایت کسی که اصلاً در مسجد دیده نمی‌شود، چگونه است؟

۳- نماز جماعت رشته‌ی پیوستگی و ارتباط مسلمانان را استحکام می‌بخشد:

برادر گرامی، به جماعت نمازگزاردن در مساجد از قوی‌ترین عواملی است که موجب ایجاد محبت و الفت بین مسلمانان می‌گردد.

برادر محبوب، سوگند به خدا باد، چون مسلمانی در مسجد به برادر مسلمانش سلام می‌گوید- در حالی که او را نمی‌شناسد- از گرمی احساس و گشادگی چهره و دست در دستش نهادنش چنان احساس می‌کند که سالیان درازی است که او را می‌شناسد!!

آن حضرت به هنگام مرتب‌نمودن صفوف اصحاب بدانان فرمود: «استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبکم» یعنی: «مرتب و راست بایستید، مختلف و نامرتب نباشید که در آن صورت دل‌هاتان از هم جدا می‌شود».

۱- سند حدیث پیش از این ذکر شده است.

برادر دینی من، نظم و هماهنگی و چسباندن شانه‌ها به هم در صفوف نماز جماعت و همسازی قدم‌ها موجب می‌گردد که دل‌ها با رشته‌هایی از عواطف خالص و پاک ایمانی به هم پیوند خورد.

۴- نماز جماعت برای کسی که نمی‌داند، تعلیم و برای کسی که می‌داند، یادآوری است
حضور شخصی که نسبت به مسایل دینی ناآگاه و یا کم‌اطلاع است موجب می‌شود که از برادران مسلمانان نصایح و ارشادات لازم و مفید را بشنود. نیز با نگرستن به کیفیت نماز اهل علم، خطاها و اشتباهات خود را اصلاح می‌کند، چه بسا مردمان بسیاری که به سبب دوری از جماعت و مسجد در نماز خواندن اشتباهات بسیاری دارند.

۵- نماز خواندن موجب خشم شیطان و یاران اوست

بی‌شک یکی از اموری که برای ابلیس (دور مانده از رحمت الهی) ناخوشایند است، گزاردن نماز در مساجد به جماعت و ذکر خداوند می‌باشد و این بدان جهت است که بر بزرگی پاداش جماعت و تأثیر آن در زیادت ایمان و نزدیکی به خداوند وقوف دارد. حکایت یارانِ منافق شیطان که از ذکر و نماز باز می‌دارند، نیز چون حکایت خود اوست و چون کسی به هنگام شنیدن اذان از نمازهای خویش محافظت کند، در حقیقت ابلیس و یارانش را ناکام نموده است.

از سویی دیگر چون کسی از نماز جماعت کوتاهی کند، در حقیقت شیطان بر او چیره شده است، از حضرت ابوالدرداء روایت شده است که گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تَقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ، فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذُّبُّ الْقَاصِيَةَ»^(۱).

۱- ابوداود و نسایی روایت نموده‌اند.

یعنی: «اگر سه نفری که در روستا و صحرا بی هستند و نمازشان به جماعت گزارده نشود، در حقیقت شیطان بر آنها چیره گشته است، پس شرکت در نماز جماعت بر شما ضروری است که گرگ بره‌ی جداشده از گله را می‌خورد».

۶- نماز جماعت موجب کسب پاداش‌ها و نیکویی‌های بسیاری می‌شود که گزارنده‌ی نماز در خانه از آن بی‌بهره است

چنانکه حضرت ابوهریره روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي الْجَمَاعَةِ تُضَعَّفُ عَلَى صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ، وَفِي سُوقِهِ، خَمْسًا وَعِشْرِينَ ضِعْفًا، وَذَلِكَ أَنَّهُ: إِذَا تَوَضَّأَ، فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ، لَا يُجْرِيهِ إِلَّا الصَّلَاةُ، لَمْ يَحْطُ خَطْوَةً، إِلَّا رُفِعَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ، وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ، فَإِذَا صَلَّى، لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَيْهِ، مَا دَامَ فِي مُصَلَّاهُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، وَلَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاةٍ مَا أَنْتَظَرَ الصَّلَاةَ»^(۱).

یعنی: «نمازگزاردن به جماعت ۲۵ برابر با ارزشتر از به تنهایی گزاردن در خانه یا محل کسب است، این بدان جهت است که هرگاه مسلمانی به خوبی وضوء بگیرد، آنگاه به سوی مسجد رهسپار شود، در حالی که فقط برای کسب خشنودی خداوند برای نماز خارج شده باشد، هر قدمی که برمی‌دارد به همان میزان بر درجات نیک او افزوده می‌شود و به همان اندازه از خطاهایش کاسته می‌شود، و از زمانی که به نماز می‌ایستد، تا هنگامی که در مسجد است، فرشتگان رحمت پیوسته بر او درود و رحمت می‌فرستند و از بارگاه الهی می‌خواهند که: «بار خدایا بر او درود فرست و رحمت عنایت کن». انتظار نماز جماعت نیز در حکم اقامه‌ی آن است».

آن حضرت هنگامی که بنی سلمه می‌خواستند به مسجد نزدیک شوند فرمود: «دیارکم تکتب آثارکم» یعنی: «زمین زیر پاهایتان قدم‌هایی را که جهت آمدن به مسجد برمی‌دارید به عنوان نیکویی می‌نویسد، از عثمان بن عفان رضی الله عنه نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- بخاری و مسلم روایت نموده‌اند.

«مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ، وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ»^(۱). یعنی: «چون کسی نماز عشاء را به جماعت گزارد، چون کسی است که نصف شب را برای عبادت بیدار بوده است، و چون کسی نماز صبح را به جماعت گزارد چنان است که تمام شب را بیدار بوده است».

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النَّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا»^(۲). یعنی: «اگر مردمان می دانستند که اذان و صف اول چه نیکی‌هایی با خود دارد، برای رسیدن به صف اول جز قرعه‌کشی راهی باقی نمی ماند و قرعه انداخته می شد».

بریده رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است که فرمود: «بَشِّرِ الْمَشَائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

یعنی: «آنان را که در تاریکی‌های شب قدم در راه مساجد می نهند، به نور تمام و کامل در قیامت نوید دهید».

از انس رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ لَهُ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ»^(۳).

یعنی: «اگر کسی نماز صبح را به جماعت بگزارد، سپس تا طلوع آفتاب به ذکر خداوند مشغول شود، آنگاه دو رکعت نماز بجا آورد، پاداشی معادل حج و عمره برای او خواهد بود».

در ادامه می گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تَامَةٌ، تَامَةٌ، تَامَةٌ» یعنی: «پاداشی کامل، کامل و کامل به او داده خواهد شد».

۱- امام مسلم روایت نموده است.
 ۲- امام بخاری و مسلم روایت نموده‌اند.
 ۳- امام ترمذی روایت نموده است.

برادر محبوب من، آیا می‌دانی آنانکه از حضور در صفوف نماز جماعت سرپیچی می‌کنند، چه غنایم و پاداش‌هایی را از کف می‌دهند؟

۷- نماز جماعت عاملی برای کسب سعادت ابدی است

چنین توفیقی آنگاه حاصل می‌شود که وقتی شخصی مسلمان وارد یکی از این مساجد شد، چه بسا دعای یکی از برادران نمازگزارش در حق او مستجاب شود که موجب گشوده شدن درهای رحمت الهی باشد، یا این که موجب گردد، رحمت الهی او را قرین این نمازگزاران در بگیرد و به واسطه آن همگی به نیکبختی جاودانه دست یابند.

در صحیح مسلم از حضرت ابوهریره روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَعَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ».

یعنی: «هرگاه گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا گرد آیند، تا کتابش را بخوانند و آن را به یک دیگر بیاموزند آرامش و سکینه‌ی الهی بر آنان فرود می‌آید و رحمت الهی آن‌ها را در بر می‌گیرد و ملائکه پیرامونشان حلقه می‌زنند و خداوند متعال آنان را در میان نزدیکان درگاه خویش یاد می‌کند.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الدُّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَيَّ حَاجِبِكُمْ قَالَ: فَيُحْفَوْنَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، قَالَ: فَيُنَادِي لَهُمْ رَبُّهُمْ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ: مَا يَقُولُ عِبَادِي؟ قَالَ تَقُولُ: يُسَبِّحُونَكَ وَيُكَبِّرُونَكَ وَيُحَمِّدُونَكَ... فَذَكَرَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ: فَيَقُولُ فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ عَفَرْتُ لَهُمْ قَالَ: يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: فِيهِمْ فَلَانٌ لَيْسَ مِنْهُمْ، إِنَّمَا جَاءَ لِحَاجَةٍ. قَالَ: هُمْ الْجُلَسَاءُ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ».

یعنی: «خداوند دارای فرشتگانی است که می‌گردند و یادکنندگان خدا را می‌جویند، اگر آنان را بیابند، همدیگر را فرا می‌خوانند: «به سوی کسانی بشتابید که در پی آنان

بودید». در ادامه رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «آن فرشتگان آن‌ها را با بال‌های خویش تا آسمان دنیا در پرتو خود می‌گیرند، سپس پروردگارشان که از آنان نسبت به حال مؤمنان آگاه‌تر است، می‌پرسد: بندگانم چه می‌گویند؟ فرشتگان در پاسخ عرض می‌کنند: «پروردگار آنان به تسبیح و تکبیر و تحمید و تمجید حضرت نشسته‌اند».

ابوهریره رضی الله عنه این حدیث را دنبال نموده تا جایی که پیامبر ﷺ در ادامه می‌فرمایند: «خداوند می‌فرماید: پس ای گروه فرشتگان گواه باشید که من آنان را بخشودم.

سپس یکی از ملائکه می‌گوید: فلانی در بین آن‌ها هستند؟!!

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: آنان همنشین هستند و همنشین آنان به بدبختی گرفتار نخواهند آمد.

برادر گرامی، مسلمان خردمند را شایسته است که خود را در مسیر رحمت‌های خداوند رحمان قرار دهد، باشد که خداوند در قیامت او را در زمره نجات‌یافتگان محسوب دارد.

۸- خواندن نماز در وقت آن

برادر گرامی، از محبوبترین کردارها در نزد خداوند سبحان گزاردن نماز در سر وقت آن است، ابن مسعود رضی الله عنه از رسول خدا ﷺ پرسید، چه کاری در نزد خداوند دوستداشتنی‌تر است؟ آن حضرت فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا» یعنی: «گزاردن نماز در سر وقت آن».

چنانکه گزاردن نماز در سر وقت محبوب‌ترین امور در نزد پروردگار عالم است، تأخیرانداختن آن نیز از گناهان بزرگ محسوب می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ ۗ الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾﴾

[الماعون: ۴- ۵]. یعنی: «وای بر نمازگزاران، نمازگزارانی که از نمازهایشان غفلت می‌ورزند».

دانشمندانی چون مسروق، نخعی و ابوالعالیه در خصوص این آیه گفته‌اند: «آنان کسانی هستند که وقت نماز را به تأخیر می‌اندازند».

بی‌شک نماز را به جماعت گزاردن از مهمترین عواملی است که انسان توفیق خواندن به موقع نماز را می‌دهد.

نمازگزاران در خانه اغلب به موقع نماز نمی‌خوانند.

۹- نماز جماعت از اسباب خشوع است

برادر مسلمانم! خشوع، روح و ثمره‌ی نماز است، چون نماز ارتباط بین بنده با پروردگارش است و این ارتباط به پایه‌ی تکمیل نمی‌رسد، تا زمانی که نمازگزار قلب و جوارح خویش را قرین خشوع نسازد همانا خداوند پاک خاشعین را به رستگاری وعده داده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿۲﴾﴾ [المؤمنون: ۱-۲]. «به راستی که مؤمنان رستگار شدند * آنان که در نمازشان خاشع‌اند».

برادر! نماز شخص همراه با جماعت از مهمترین عواملی است که او را برای رسیدن به خشوع یاری می‌دهد، بدان سبب که مسلمان چون وارد مسجد می‌شود از مشاغل دنیوی کناره می‌گیرد، نیز در این مسجد مگر آنان را که سوی خداوندشان روی کرده‌اند و در قبال درگاه بلندش در حال قیام، رکوع و سجده می‌باشند و او را یاد می‌کنند و کتاب گرانقدرش را می‌خوانند.

همه‌ی این‌ها با او چنان می‌کنند تا احساس کند که میدان، میدان پیشی گرفتن به سوی خدا و بهشت‌های جاودانه‌ی اوست و پیشی‌گیرندگان همان کسانی هستند که با راستی و کوشش به سوی خداوند روی کرده‌اند.

و این وضعیت او را می‌دارد که با قلب و جوارح خویش به سوی خدا روی نهد و در اطاعت پروردگار خویش به جهت آن که نامش را در زمره‌ی فروتنان و خاشعان رستگار بنویسد، تلاش می‌کند.

فصل سوم: ندایی به برادر مسلمان

برادر محبوب من، بی شک کسی که حکم نماز جماعت و نیکویی‌های آن و پاداش‌هایی را که به ترک‌کنندگان آن داده نمی‌شود و عواقب و سرانجام بدی که دامنگیر آنان می‌شود را دریابد، دچار تردید نخواهد شد که در معرض خطری بزرگ است و گناه به کف آورده است که اگر به توبه‌ای راستین توفیق نیابد، به هلاکت خواهد افتاد. برادر گرانقدر، ای کسی که نماز جماعت را ترک می‌کنی، خداوند بخشاینده و مهربان تو را به سوی توبه فرا می‌خواند تا این که گناهان تو را مورد بخشایش قرار دهد و بدیهیت را بیوشاند.

ای برادر من، آیا زمان پشیمانی و ندامت از گناهان و بدی‌ها فرا نرسیده است؟ چنانکه خداوند بخشاینده می‌فرماید:

﴿لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ﴾ [الحديد: ۱۶].

«آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، زمان آن فرا نرسیده است که قلب‌هایشان به ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟»

ای کسی که بر نفس و وجود خویش ظلم و ستم روا داشتی و راه گناه در پیشی گرفتی، از رحمت بیکران الهی ناامید مشو، چون که پروردگارت می‌فرماید:

﴿قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [الزمر: ۵۳].

«بگو ای بندگان من که بر خویشتن اسراف و ستم روا داشتید از رحمت خداوند مأیوس نشوید، به راستی که خداوند تمام گناهان را می‌بخشد و همانا او غفور و رحیم است.»

برادر من، تو را پروردگاری بسیار نیکو و بخشنده است که از توبهات بسیار خشنود می‌گردد، پس با رغبت روی به سوی او آر. چون کسی به او روی آورد، دچار خسران و زیان نمی‌گردد.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «لَلَّهِ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ أَحَدِكُمْ، مِنْ أَحَدِكُمْ بِضَلَّتِيهِ، إِذَا وَجَدَهَا»^(۱). یعنی: «چون یکی از شما توبه می‌کند، خوشحالی خداوند بسی افزون‌تر از کسی است که گم شده‌اش را باز می‌یابد». برادر عزیز، بردباری خداوند بسی گسترده‌تر از اصرار تو بر گناه است و رحمت او بزرگتر از گناه توست.

برادر عزیز، خداوند بخشایشگر دست خود را به هنگام شب باز می‌گشاید تا توبه‌ی بدکار روز را بپذیرد و به هنگام روز نیز چنان می‌نماید تا از گنهکار شب درگذرد. برادر عزیز، آیا قبل از آن که بین تو و توبه حجاب افتد به سوی پروردگار خویش باز نمی‌گردی؟

برادر عزیز، پافشاری کردن بر گناهان سرانجام شری در پی دارد، چه! گناهان اشخاصی بزرگ و شخصیت آن‌ها را چنان می‌کند که قلبش را می‌میراند، سپس موجب می‌شوند که به جهنم وارد شوند.

بدین فرموده‌ی الهی گوش فرا ده که می‌فرماید: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [المطففين: ۱۴].

یعنی: «حاشا، بلکه به واسطه آنچه خود می‌کردند بر قلب‌هایشان زنگار چیره شد». برادر عزیز، آیا از این که خداوند متعال جان تو را در شبی بگیرد که در فردایش قصد نماز خواندن نداری، شادمان می‌شوی؟

۱- امام مسلم روایت نموده است.

برادر عزیز، برای کسی که بر زمان مرگ خویش وقوف ندارد، زبینه نیست که توبه را لحظه‌ای به تاخیر اندازد.

برادر عزیز، باید بدانی: ﴿مَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا﴾ [الإسراء: ۱۵].

یعنی: «هرکس که هدایت یابد، به سود خود او خواهد بود و چون کسی گمراه شود، آن نیز به ضرر شخص او خواهد بود، پس خود می‌دانی راه خود، خود برگزین.»

فصل چهارم: مواعی در مسیر توبه

برادر گرانقدر، چه چیزی تو را از نماز جماعت باز می‌دارد؟

۱ - شیرینی خواب؟

در لذتی که سرانجام آن حسرت و پشیمانی باشد، بهره‌ای نهفته نیست. از حضرت انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«يُؤْتَى بِأَنْعَمِ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيُصْبَغُ فِي النَّارِ صَبْغَةً، ثُمَّ يُقَالُ: يَا ابْنَ آدَمَ هَلْ رَأَيْتَ خَيْرًا قَطُّ؟ هَلْ مَرَّ بِكَ نَعِيمٌ قَطُّ؟ فَيَقُولُ: لَا، وَاللَّهِ يَا رَبِّ»^(۱).

یعنی: «در روز قیامت بهره‌مندترین مردمان از نعمت‌های دنیا از میان جهنمیان آورده می‌شود، یک بار در آتش فرو برده می‌شود، سپس به او گفته می‌شود؛ ای فرزند آدم، آیا هرگز خیری دیده‌ای؟ آیا هرگز به تو نعمت‌هایی رسیده است؟ می‌گوید: پروردگارا، قسم به جلال تو، نه...»

برادر عزیز، این حکایت منعم‌ترین اهل دنیا است، پس حکایت آنان که پایین‌تر از اویند، چگونه است؟
آیا لذت یک لحظه دنیا را بر لذت جاودانه در جایگاه راستین در نزد حاکم مقتدر جهانیان ترجیح می‌دهی؟

۲ - سختی تو را باز می‌دارد؟

۱ - امام مسلم روایت نموده است.

برادر عزیز، بی شک خارج شدن از خانه و پیوستن به صفوف نماز جماعت سختی‌هایی همچون سرما و گرما و غیره به دنبال دارد، اما آیا بین گرمای تابستان و شراره‌های آتش جهنم و میان سردی زمستان و زمهریر جهنم مقایسه نموده‌ای؟

۳- شیطان و وسوسه‌هایش؟

برادر عزیز، آیا خود را تسلیم دشمن می‌کنی، تا تو را به آتش افکند؟

﴿إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ [فاطر: ۶].

یعنی: «او پیروان خود را فرا می‌خواند تا از ساکنان آتش سوزان جهنم شوند»

برادر محبوب من، کسی که از نماز جماعت تخلف ورزد، در حقیقت شیطان بر او چیره شده است و او را از یاد خدا غفلت افکنده است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ وَلَا تَقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا قَدْ اسْتَحْوَذَ

عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ: فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذَّنْبُ الْقَاصِيَةَ»^(۱).

یعنی: «هرسه نفری که در روستا و صحرايي هستند، اگر نمازشان را به جماعت نگذارند، جز این نیست که شیطان بر آنان چیره شده است، پس بر تو واجب است که در نماز جماعت شرکت کنی، پس همانا گرگ بره‌جدامانده از گله را می‌خورد».

۱- ابوداود روایت نموده است.

فصل پنجم: نویدهایی برای توبه‌کنندگان

بشارت بر برادر توبه‌ی‌کننده باد که سرانجام توبه پسندیده و بهره‌اش پاکیزه است که نمونه‌هایی از آن را از نظر می‌گذاریم:

۱- بخشایش گناهان و تکفیر بدی‌ها

خداوند کریم می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [الشوری: ۲۵].

یعنی: «او همان خدایی است که از بندگانش توبه می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد و بدانچه انجام می‌دهید وقوف کامل دارد».

۲- خداوند بدی‌های توبه‌کنندگان را به نیکی تبدیل می‌کند

اگر کسی راستین توبه کند و کرداری شایسته انجام دهد.

چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الفرقان: ۷۰].

یعنی: «اگر آنان که توبه کنند، ایمان آرند و کردار شایسته انجام دهند، آنانند که خداوند بدی‌هایشان را به نیکی تبدیل می‌کند، و خداوند در همه حال غفور و رحیم است».

۳- خداوند متعال توبه‌کنندگان را دوست می‌دارد:

خداوند کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۲].

یعنی: «خداوند توبه‌کنندگان و پاکیزگان را دوست می‌دارد».

۴- محافظت این نمازها، از آن حیث که بدان ندا داده می‌شود که از نشانه‌های ایمان است

خداوند پاک و منزّه می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنَءَمَّنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾

[التوبة: ۱۸].

«جز این نیست، کسانی مساجد خداوند را آباد می‌کنند به خداوند و روز قیامت ایمان

دارند».

عواملی که به پایبندی بر نماز جماعت کمک می‌کند:

بعضی از این عوامل شرعی و برخی دیگر مادی هستند که بارزترین آن‌ها را از نظر می‌گذاریم:

۱- راستین‌بودن با خداوند

کسی که در توبه و رغبتش در پایبندی به نماز جماعت راستین باشد، خداوند او را بدانچه که می‌خواهد می‌رساند.

پروردگار عالم می‌فرماید: ﴿فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾ [محمد: ۲۱].

یعنی: «اگر با خداوند راستین باشند، برای ایشان نیکوتر بود».

نیز در حدیثی قدسی آمده است: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي»^(۱).

یعنی: «حکایت من با بنده‌ام چنان است که او در مورد من گمان می‌برد».

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ، بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ، وَإِنْ مَاتَ

عَلَى فِرَاشِهِ»^(۲).

یعنی: «چون کسی شهادت را با قلبی راستین از خداوند بخواهد، آن حضرت او را به مقام شهیدان می‌رساند، اگرچه در بستر بمیرد».

رسول خدا ﷺ به بادیه‌نشینانی که شهادت از خدا می‌خواست فرمود: «إِنْ تَصَدَّقِ اللَّهَ

يُصَدِّقْكَ».

یعنی: «اگر با خداوند راستین باشی، خداوند تو را بدان مقام خواهد رساند».

۲- دعا و تضرع به سوی خداوند پاک تا اسباب طاعت تو را آسان گرداند که نماز جماعت نیز از آن گونه است

۱- امام بخاری و امام مسلم روایت نموده است.

۲- امام مسلم روایت نموده است.

بهترین گونه‌ی دعایی که مسلمان می‌تواند بدان دعا کند وصیتی است که محمد ﷺ به حبیب خود - معاذ بن جبل رضی الله عنه - توصیه نمود: آنگاه که بدو فرمود: «يَا مُعَاذُ! وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ، وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ، فَقَالَ: أَوْصِيكَ يَا مُعَاذُ لَا تَدْعَنِّي فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تَقُولُ: اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ»^(۱).

یعنی: «ای معاذ قسم به خدا باد، تو را دوست می‌دارم، قسم به خدا باد تو را دوست می‌دارم، تو را به موردی توصیه می‌کنم که بعد از هر نمازی آن را فرو مگذار. بگو: خدایا مرا بر ذکر، شکر و نیکو عبادت کردن حضرتت یاری ده».

۳- بهره‌گیری از اسباب مادی

هر مسلمانی ناگزیر است که از وسایل شرعی و مادی استفاده کند تا به مطلوب خویش دست یابد، بعضی از اسباب مادی از قرار زیر است:

الف= به موقع خوابیدن به ویژه به هنگام تابستان
ب= استفاده از وسایل بیدارکننده همچون ساعت زنگ‌دار
ج= نخوابیدن قبل از وقت نماز
د= توصیه نمودن افراد خانواده و احیاناً همسایگانی که نیکو کردارند، برای این که تو را جهت نماز بیدار کنند.

ه= مجاهدت با نفس و به خواب سنگین رفتن

برادر گرامی، در پایان این رساله این فرموده‌ی الهی را یادآور می‌شوم: ﴿...وَيَقُولُونَ نَوَيْلَتَنَا مَالٍ هَذَا الْكَتَبِ لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا﴾ [الكهف: ۴۹].
یعنی: «می‌گویید: وای بر ما این نامه‌ی اعمال را چه شده است که اعمال ما را از کوچکترین تا بزرگترین به حساب آورده است».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۖ كَرَامًا كَاتِبِينَ﴾ [الإنفطار: ۱۰-۱۱].

یعنی: «بر شما فرشتگانی از نویسندگان گرامی گماشته شده‌اند، می‌دانند آنچه را که شما عمل می‌کنید».

پس سعی کن در نامه‌ی اعمالت جز آنچه که دوست می‌داری بدان خداوندت را ملاقات کنی نوشته نشود، چرا که آن جایگاهی بس دشوار و پرسشی بسیار گران است. در خاتمه از خداوند کریم می‌خواهم با هدایت و توفیقی دایمی تا زمان ملاقات با حضرتش، من، شما و سایر مسلمانان را مورد منت قرار دهد.

وصلی الله وسلم وبارک علی عبده ورسوله نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

آثار ترک گناهان و معاصی

سبحان الله رب العالمین، در ترک گناه و معاصی فوائد زیر برای شخص حاصل می‌شود.

- ۱ - به وجود آمدن صفت مردانگی و مروت.
- ۲ - پاسداری از شرف و ناموس.
- ۳ - حفظ جاه و موقعیت.
- ۴ - نگهداری کردن از مالی که خداوند آن را وسیله‌ای برای پیداشتن مصالح دنیا و آخرت قرار داده است.
- ۵ - محبت مردم به او، و تأثیر کلام او در بین آنان.
- ۶ - زندگانی پاک و خوب و راحتی جسم.
- ۷ - قوت قلب و بهره‌ور شدن آن.
- ۸ - پاکی جان و دورن و فراخی سینه و دلگشایی.
- ۹ - در امان ماندن از شرارت و بدی انسان‌های فاسق و بدکار.
- ۱۰ - کم شدن و قلت ناراحتی و غم و اندوه.
- ۱۱ - عزت نفس و تحمل نکردن ذلت و خواری.
- ۱۲ - پاسداری نور قلب، از این که ظلمت معصیت آن را خاموش کند.
- ۱۳ - حصول راه چاره از تنگناها برایش، امری که برای فاسقان و فاجران غیر ممکن است.
- ۱۴ - آسان شدن رزق و روزی‌اش از جهتی که گمان نمی‌برد.
- ۱۵ - آسان آمدن آنچه بر صاحبان فسق و فجورگران می‌آید.
- ۱۶ - سهل و آسان شدن طاعات و عبادات بر او.
- ۱۷ - فراگیری علم بر او آسان می‌شود.
- ۱۸ - مردم به نکوئی او را یاد می‌کنند.

- ۱۹- کثرت دعای خیر مردم برای او.
- ۲۰- رخسارش حلاوت می یابد.
- ۲۱- مهابتش در قلوب مردم می افتد.
- ۲۲- هنگامی که مورد اذیت و ظلم واقع شود و مردم او را یاری و حمایت می کنند.
- ۲۳- هنگامی که مورد غیبت قرار گیرد مردم از او دفاع می کنند.
- ۲۴- دعاهایش به سرعت مورد اجابت قرار می گیرد.
- ۲۵- زوال وحشتی که بین او و خداوند متعال است.
- ۲۶- ملائکه به او نزدیک می شوند و شیاطین جن و انس از او دور.
- ۲۷- مردم در خدمت کردن و برآورده کردن احتیاجاتش از همدیگر پیشی می گیرند.
- ۲۸- مردم در طلب مودت و همنشینی اش برمی آیند.
- ۲۹- از مرگ نمی هراسد، بلکه خوشحال می شود چرا که خداوند متعال را ملاقات می کند و به سویش باز می گردد.
- ۳۰- دنیا در قلبش کوچک و آخرت در نظرش بزرگ می شود.
- ۳۱- برای کسب آخرت و رستگاری عظیم آن، حرص و اصرار می ورزد.
- ۳۲- حلاوت طاعت و شور وجد شیرینی ایمان را می چشد.
- ۳۳- حاملان عرش الهی و ملائکه حول آن برای او دعای خیر می کنند.
- ۳۴- کاتبین به او مسرور و شادمانند و برای او در هر وقتی دعاها را می کنند.
- ۳۵- عقل و فهم و ایمان و معرفت او زیاد می شود.
- ۳۶- محبت خداوند متعال و اقبال الهی برایش حاصل می گردد.
- ۳۷- خداوند متعال به توبه کردنش شادمان می شود.
- ۳۸- در نهایت خداوند متعال به سرور و شادمانی پاداشش می دهد که با سرور و شادمانی با معصیت و گناه به هیچ وجه قابل مقایسه نیست.

این‌ها از جمله آثار ترک گناه و معاصی در دنیا بودند اما:

- ۱- هنگامی که دنیای فانی را وداع نمود ملائکه از جانب خداوند متعال بشارت بهشت را به او می‌دهند و این که دیگر هیچ خوف و حزنی او را نیست.
- ۲- از زندان دنیا و تنگی‌اش به روضه و باغی از باغ‌های بهشت منتقل می‌شود و تا در روز قیامت از نعمات آن بهره‌مند خواهد شد.
- ۳- و هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد، مردمان عرق‌ریزان در زیر گرمای شدید قرار دارند و او زیر سایه عرش الهی است.
- ۴- هنگامی که مردمان از حضور خداوند متعال و محاسبه برمی‌گردند به جانب راست و یمین کشیده خواهد شد و همراه اولیای با تقوای خداوند سبحان و حزب و دسته رستگار شده او خواهد بود.

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٥٠﴾﴾

به نقل از کتاب «الفوائد» ابن القیم الجوزیه